

# پیوسته اخلاقی

هر انسانی وظیفه دارد خود را به فضائل اخلاقی بیاراید و با صفات زشت و ناپسند بسا سر سختی مبارزه کند .

بر مریبان و پدران و مادران است که بذرفضائل و سجایای اخلاقی را در نهاد کودکان و نوجوانان بپرورانند و آنان را برای یک زندگی کاملاً " اخلاقی آماده گردانند .

متأسفانه غالب مریبان و پدران و مادران ، به این فریضه بزرگ انسانی کمتر توجه دارند .

بسیاری از پدران و مادران همینکه بچه آنها راه می افتد و حرف میزند راضی و خرسند می شوند و او را بدست تصادف می سپارند .

آئین مقدس اسلام فرد مسلمان را با ارزش و عظمت معرفی میکند که از لحاظ اخلاقی کاملتر باشد .

از نظر اسلام پرورش اخلاقی کودک یکی از وظایف عمده و اساسی مریبان و از حقوق مسلم نوجوانان است .

امام سجاد (ع) در " رساله الحقوق " چنین میفرماید :

" و اما حق ولدک فان تعلم انه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره و انک مسئول عما ولیته به من حسن الادب و الدلاله علی ربه عزوجل و المعونه له علی طاعته فاعمل فی امره عمل من یعلم انه مثاب علی الاحسان الیه معاقب علی الاساءه علیه " ( ۲ )

" حق فرزند تو این است که بدانی او از تست و نیک و بد او در این دنیا به تو بستگی دارد . تو نسبت به او برمسند سرپرستی پدری و تربیتی



نشستهای و باید اورا بماخلاق پسندیده پرورش دهی وبه سوی خدا راهنمایی کنی ودراطاعت پروردگار یارش باشی، باید برای او تربیت کنندهای باشی که بدانی اگر درحق او نیکی کنی اجر وپاداش می‌بری واگر درباره او بدی کنی مستوجب کیفر خواهی بود ."

اکنون که کمی به اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی پی بردیم ، می‌خواهیم ببینیم مری از چه راهی میتواند این وظیفه دشوار را به خوبی ایفا کند . ؟

یکی ازراههایی که درپیش پای مری وجود دارد وازآن راه میتواند نتایج عالی بدست‌آورد تشویق است . تشویق چیست ؟

تشویق برخلاف تنبیه که ازعوامل بازدارنده است ازعوامل وادار کننده است ودرحقیقت به انسان نیرو وانرژی می‌دهد . شخصی که تشویق میشود ازکار و زحمت خود احساس رضایت می‌کند وهمین رضایت خاطر است که خستگی و بی میلی اورا می‌گیرد وبسا که هیچگونه رنج و مشقتی اورا خسته و وامانده‌نمی‌کند .

البته کسانی هم هستند که به قدری به هدفهای خود مومن ودرمسیرخود استوار وپا برجایندکه به هیچ وجه نیازمند تشویق نیستند درحقیقت طوری هستند که لازم نیست یک نیروی برونی مشوق آنها باشد ، تشویق اینها دردرون وجود خودشان است وخودمشوق خویشند ، ولی همه ،چنین نیستند ،مخصوصا کودکان ونوجوانان .

تشویق مراتبی دارد ،حداقل آن یک لبخند رضایت آمیز است اما برای آن حداکثری نمی‌توان معین کرد . بطور خلاصه میتوان گفت تشویق گاهی جنبه قولی دارد،گاهی جنبه عملی ، تشویق قولی از راه تشکر و تعریف و تمجید صورت می -

گیرد و تشویق عملی به وسیله دادن پاداش . درمورد تشویق باید خیلی دقیق ومحیطاط بود مخصوصا اگر تشویق بصورت پاداش وبعد از انجام عمل باشد که دراین صورت اگر زیاده روی یا کوتاهی شود قطعاً "مضرخواهدبود .

درمورد تشویقی که قبل ازانجام عمل وبه منظور وادار کردن شخص به کاری است باید توجه داشت که چنین تشویقی درحکم انرژی لازم برای ایجاد حرکت است . بدیهی است که آنچه دراین مورد لازم است تشویق شایسته وعافلانهای است که حرکت لازم را به وجود آورد .

قرآن که کتاب آسمانی مامسلمانان است نقش تشویق را به ما گوشزد کرده است .

رهبر عالیقدر اسلام از راه تشویق وآگاه کردن مسلمانان بفواید دنیوی واخروی جهاد ، آنها را به میدان نبرد بسیج می‌کرد ، نظر به همین شوق ورغبت و آگاهی بود که نتایجی که مسلمانان از این راه به دست آوردند بسیار چشم گیر و درخشان بود .

درقرآن کریم به پیامبر دستور داده شده که پیروان خودرا به نبرد تشویق کند :

اَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا الْغَافِمِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِانَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

(انفال آیه ۶۵)

ای پیامبر ، مومنان را به نبرد تشویق کن ، اگر بیست نفر شکبیا درمیان شما باشد دویست نفر و اگر صد نفر باشد هزار نفر از کافران رامغلوب میکند زیرا آنها به نتیجه کار خود آگاهی ندارند . "

۲- فَاقْرَبْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِاتَّكِلَ عَلَيْهِ إِلَّا نَفْسُكَ وَ  
 حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفَى بَأْسَ الَّذِينَ  
 كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا .

(ونسا آیه ۸۴)

" در راه خدا نبرد کن، تو تکلیفی جز آنچه مربوط به خودت هست نداری، مومنان را به نبرد تشویق کن، شاید خداوند قدرت کافران را در هم بکوبد. انتقام و کیفر خداوند سخت تر است."

در این دو آیه بخوبی نشان داده است که تشویق انسان را بزرگ میکند، به او تدبیر و سیاست و دزایت می بخشد، شخص مسلمانی که از جانب پیامبرش تشویق میشود و به مرتبه خود آگاهی می رسد، از عهده ده نفر، از افرادی که تحت رهبری پیامبر نیستند بر میاید. او میتواند قدرت دیگران را در هم بکوبد. او خمود نیست. خواری و زبونی را تحمل نمی کند.

در این دو آیه گفتگو از تشویق برای جنگ است. ولی بطور کلی میتوان گفت: بشارت که یکی از دو جنبه وظایف پیامبران است، همان تشویق است که رهبر دین به وسیله آن مردم را در تمام جنبه های دینی چه دنیوی و چه اخروی - به حرکت و تکاپو وامیدارد.

علی (ع) نیز در فرمان تاریخی خود به مالک که بفرمانروائی مصر برگزیده شده است دستور میدهد که:

"لایکونن المحسن والمسی عندک بمنزله سواه فان فی ذلک ترهید الاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لا هل الا سائه علی الا سائه"  
 " مبادا نیکوکار و بد کردار پیش تو یکسان



باشند، زیرا چنین روشی نیکوکار را بی رغبت و بد کردار را شائق میسازد."

در جهانی که ما زندگی می کنیم از برنامه تشویق برای منظورها و هدفهای گوناگون استفاده میشود. پاره ای از تشویق ها جنبه جهانی دارد مثل جایزه نوبل که افراد را به ابتکار و تحقیق وادار می کند و پاره ای دیگر جنبه مملکتی و محلی دارد.

"نمراتی که در کودکان و دبستان و دبیرستان و دانشگاهها برای کودکان و جوانان منظور میدارند، تشویقی است در راه بارور کردن مغزها از دانش و معلومات و تجارب و اطلاعات" جوایزی که به بازیکنان و ورزشکاران و برندگان مسابقات مختلف جهانی و مملکتی داده میشود و عکسها و رپورتاژهایی که از آنها

به چاپ می رسد ، تشویقهای گوناگونی است که افراد را در راههایی که مورد نظر است به تلاش و کوشش وامیدارد .

بیائید برای موفقیت کامل ، در پرورش و تهذیب اخلاقی ، نسل جوان را به حساب آوریم ، به او شخصیت بدهیم او را درکارها شرکت دهیم . از نیروی او برای کسب موفقیت استفاده کنیم .

گام اول درراه تشویق جوانان به اخلاق پسندیده همین است ، اگر بخواهیم فرمان پیامبر گرامی اسلام (ص) را که فرمود "اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم" (۴) امثال کنیم ، باید از همینجا شروع کنیم .

پیامبر عالیقدر اسلام پس ازفتح مکه عتاب بن اسید را به فرمانروائی مکه برگزید ، درآن وقت وی یک جوان ۲۱ساله بود .

رهبرگرامی اسلام به این جوان چنین فرمود : اگر می دانستم درمیان مسلمانان کسی لایقتر از تو وجود دارد ، او را بر تو مقدم می داشتم .

این تشویق و توجه پیشوای مسلمانان نسبت به یک جوان لایق ، کهنسالان را که صرفا به خاطر نبودن لیاقت ، محروم شده بودند ، آزرده خاطر ساخت . آزردهگی خاطر ایشان به اطلاع پیامبر خدا رسید ، پیامبر در نامه ای به ایشان نوشت :

"لایحیح محتج منکم فی مخالفته بصر سته ، فلیس الاکبر هو الافضل ، بل الافضل هو اکبر (۵) هیچ یک از شما به جوانی عتاب اعتراض نکند زیرا ملاک فضیلت سن بیشتر نیست بلکه اخلاق و کمالات نفسانی است .

از این نمونهها در زندگی رهبر بزرگوار اسلام فراوان است قبل از مهاجرت به مدینه ، مصعب بن عمیر را که به شهادت تاریخ نوجوان بود برای رهبری و پیشوائی به این شهر فرستاد (۶) :

درسال رحلتش نیز اسامه بن زید را که جوانی ۱۸ساله بود به فرماندهی سپاهی برگزید که ماموریت داشت به نبرد رومیان برود (۷)

اگر والدین و مربیان و آموزشگاهها و بالاخره جامعه اسلامی ما از رهبر عالیقدر اسلام الهام بگیرند ولیاقتها و استعدادهای جوان را از طریق تشویق و به حساب آوردن ایشان به کار بیندازند مسلما وضع ما بهتر خواهد شد . عظمت و سربلندی اسلامی بستگی به این دارد که نیروها و ذخائر عظیم انسانی را از آغاز کودکی و جوانی مورد بهره برداری قرار دهیم ، از هر عمل مثبت و از هر روش صحیح و از هر گفتار و کردار و پنددار پسندیدمای تشویق و حمایت کنیم و آنقدر در این راه تلاش کنیم که فرصت ازناکسانی که با حربه تشویق استعدادها را درمیسریشطانی و حیوانی و خصائل ضدانسانی بکار میاندازد ، سلب کنیم و چه بهتر که در این راه از خود جوانان استمداد کنیم و به آنها بفهمانیم که فرصتها و روزهای ارزنده و گرانبهائی از دست رفته و دارد می رود ، بیشتر از این درپیشگاه خدا و در برابر محکمه وجدان سرافکننده و شرمسار نباشیم .

۱- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۶۰ .

۲- مکارم الاخلاق ص ۲۳۲ .

۳- نهج البلاغه دکتر صبحی صالح ص ۴۳۰ .

۴- بحار الانوار ج ۲۲ ص ۱۱۴ ، ترجمه :

فرزندانتان را گرامی بدارید ، و اخلاق و آداب خود را نیکو سازید .

۵- اسد الغابه ج ۳ ص ۳۵۸

۶- بحار الانوار ج ۶ ص ۴۰۵ .

۷- اسد الغابه ج ۱ ص ۶۴ .